

پنجشنبه، پانزدهم شهریورماه ۱۳۷۵

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو صدای ایرانیان

گزارشگر: ممکن است پیرامون نقشی که امروز داشتید توضیح دهید؟ [گردهمایی] راجع به چه چیزی بوده و درباره‌ی چه موضوع‌هایی صحبت شده است؟

داریوش فروهر: امروز را در حزب ملت ایران به نام «روز بنیاد» می‌شناسیم و روزی است که، در سال یکهزاروسیصدویستوشش، مکتب پان‌ایران‌یسم، که سپس جای خود را به حزب ملت ایران دارد، شالوده‌ریزی شد. به این دلیل، هر سال در چنین روزی، من در خانه‌ام پذیرایی دارم که امسال هم صورت گرفت. این آیین با سرآغاز، که گونه‌ای نیایش است، شروع گردید؛ و سپس اعلامیه‌ای که در برخورد هنگامی با «روز بنیاد» دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران داده بود خوانده شد؛ و بعد، من گفتار یک ساعت و نیمه‌ای داشتم؛ و با سرود «ای ایران» پایان یافت.

گزارشگر: جناب فروهر، به نظر می‌رسد هیچ وقت مثل اکنون ملی‌گرایی در ایران زنده نبوده است.

داریوش فروهر: در همین اعلامیه‌ای که به آن اشاره کردم، آمده است که، با رسوا شدن نگرش‌های زائیده‌ی گمان‌پروری و ناسازوار با قانونمندی‌های زندگی اجتماعی بشر، جهان به عصر تازه‌ای پا نهاده است که عصر بازسازی هستی ملی بر پایه‌ی مردم‌سالاری تلقی می‌گردد؛ و این روند با شکستن نظم پاسدار سلطه در جهان و نیز فروپاشی اتحاد جمهوری‌های شوروی پدید آمد و ملت‌گرایی را در ایران اوج بیشتری داد. به‌رغم کوشش‌های واپس‌گرایانه‌ای که سردمداران جمهوری اسلامی داشتند، نخستین درس ملت‌گرایی برای هر ملت باز یافتن یگانگی است؛ یعنی همه‌ی سرزمینش و همه‌ی مردمی که از آغوش مام میهن به دور مانده‌اند تلاش شود تا در کنار هم قرار بگیرند. البته در گذشته هم گفته‌ام که به هیچ وجه سر ستیز در میان نمی‌باشد، فرهنگ در بستر زمان کار خود را خواهد کرد و پایندان وحدت ملی فرهنگ است.

گزارشگر: جناب فروهر، چون به نظر می‌رسد که یک محافظی دست‌اندرکار هستند در منطقه تا سر به سر ایران بگذارند، نظرتان را بفرمایید.

داریوش فروهر: با افسوس بسیار، کردارهای زشت سردمداران جمهوری اسلامی، که هیچ آگاهی از خواست‌های تاریخی و اجتماعی ایرانیان ندارند، سبب شده که دیگ آرز و نیاز قدرتهای بزرگ و کوچک استیلاگر به جوش آید و، گذشته از اینکه در فراسوی مرزهای قراردادی ایران فرصت‌های زیادی را برای همگرایی از دست داده، در درون نیز، در آذربایجان، در کردستان، خوزستان و بلوچستان، توطئه‌ها به شکل‌های بسیار گوناگون هست؛ و زمامداران کنونی هم جز آوازه‌گری و بیشتر کردن بن‌بست‌های خارجی هنر دیگری ندارند و خطر را... [در اینجا تلفن قطع می‌شود و پس از چند دقیقه دنباله پیدا می‌کند].

گزارشگر: قربان، تلفن قطع شد.

داریوش فروهر: بله، این چیزی است که در ایران، با آن متأسفانه روبه‌رو هستیم. شاید می‌خواستند لحن صدای من عوض شود و رشته‌ی گفتار از دستم در برود.

گزارشگر: به عنوان شخصیتی که کردستان را به‌خوبی می‌شناسید و سال‌های دراز هم با نیروهای کرد در تماس هستید و بارها به آنجا سفر کرده‌اید و در چند نوبت میان آن‌ها میانجیگری کرده‌اید، بفرمایید چه احساسی دارید وقتی که از شصت، هفتاد ساعت پیش، یک کردستان داریم با تمامیت ارضی مستقل یا دست‌کم این چیزی است که

تا به حال شنیده‌ایم و چیزی است که گفته می‌شود که حفظ تمامیت ارضی کردستان عراق است. معلوم می‌شود که یک جغرافیای تازه پیدا کرده‌ایم.

داریوش فروهر: من از این موضوع به هیچ وجه نگران نیستم. من کردها را از نجیب‌ترین و بنیادمندترین ایرانیان می‌دانم و آن‌ها هم خودشان را از ایران جدا نمی‌دانند. موضوع کرد در برابر عنصر عرب و در برابر عنصر ترک سوای کرد است، به عنوان پاره‌ای از ایران بزرگ، و این پیشینه هم دارد. در جنگ جهانگیر، هم در بخشی که می‌خواستند به کشور استعمارساخته‌ی عراق بدهند هم در بخشی که کمال آتاتورک جنیید و نگه داشت، شورش‌هایی شد تا در آن سوی مرزهای ایران کنونی یک دولت ایرانی‌تبار کرد به وجود بیاورند؛ ولی این را دولت‌های امپریالیستی بزرگ نپسندیدند و به هم زدند.

من، همان طور که استقلال افغانستان را به هیچ وجه برای هیچ بخشی از ایران زیان‌آور نمی‌دانم، استقلال کردهای آن سوی مرزهای قراردادی را از ترکیه و عراق هم به هیچ وجه برای ایران زیان‌بخش نمی‌دانم؛ بلکه زمینه‌ی این می‌دانم که ما بتوانیم، با توجه به بافت اجتماعی ملت ایران و پذیرش خودگردانی برای قوم‌های گوناگون آن، نه تنها با نهضت جداجویانه روبه‌رو نشویم که با یک جنبش الحاق‌جویانه برخورد کنیم.

گزارشگر: به این ترتیب، از دید شما و مطمئن هستم خیلی از ملی‌گرایان، کردستان در عراق جزئی از خاک ایران است.

داریوش فروهر: کرد هر جا که باشد ایرانی است. حالا اگر بندوبست‌های بین‌المللی و اگر سلطه‌گری‌های جهان‌خوارانه و اگر ناشایستگی دولتی که در تهران است و وظیفه دارد پشتیبانی لازم را حتی در فراسوی مرزهای قراردادی از کردها بکند اجازه ندهد با هم یکی شویم، اینکه آن‌ها زیر سلطه قرار نداشته باشند و خودشان سرنوشت خویش را رقم زنند بسیار آرزوی درستی است.

گزارشگر: جناب فروهر، نظرتان را راجع به وضع منطقه می‌خواستم بدانم چیست و آن را چگونه ارزیابی می‌کنید.

داریوش فروهر: در بیست‌وهفتم امردادماه یک‌هزار و سیصد و هفتاد و پنج، حزب ملت ایران، بعد از آمدن آقای نجم‌الدین اربکان به ایران و پیشنهاد اتحاد چهارجانبه میان جمهوری اسلامی - توجه داشته باشید من می‌گویم «جمهوری اسلامی»، نه ایران - دولت بغداد، دولت آنکارا و دولت سوریه، در اعلامیه‌ای که عنوانش «توطئه‌ی ضلالت‌النسیان» است گفت این اتحاد شوم زیر هر پوشش انجام گیرد توطئه‌ای است برای نسل‌کشی

یک قوم ایرانی‌تبار، که همان کردها باشند. مدتی گذشت و همه دیدند با تحریک‌هایی که یا قدرت‌های بزرگ یا قدرت‌های کوچک استیلاگر کردند، با افسوس بسیار، کردهای درون کشور استعمارساخته‌ی عراق را به جان هم انداختند و بعد هم دولت نژادگرای بعث بغداد از فرصت استفاده کرد و دست به تهاجم زد. گرچه اکنون این تهاجم مهار گردیده است؛ ولی امیدوارم کردهای فراسوی مرزهای قراردادی توجه داشته باشند که توطئه علیه کل آن‌هاست و، اگر چشمکی به یک بخش زده می‌شود، مطمئن باشند که بعد نوبت آن بخش دیگر هم می‌رسد. پس با یکدیگر در نیفتند و نشان بدهند که شایستگی رقم زدن سرنوشت خود را دارند، نشان بدهند که مردم‌سالاری را می‌پذیرند و اختلافاتشان چنان نباشد که هیچ قدرت بزرگی هم بخواهد میانجیگری کند.

گزارشگر: متأسفانه حالا که این ماجرا اتفاق افتاده و، حتی همین امروز، مجدداً بین دو گروه کردها در عراق درگیری می‌باشد.

داریوش فروهر: این جای افسوس دارد. من خوب یادم هست چند سال پیش، در آغاز تهاجم لشکریان بعث بغداد

به ایران، شخص مسعود بارزانی، که به ایشان بسیار احترام می‌گذارم، به من گفتند که کرد هرگز کرد را نخواهد کشت. وقتی می‌خواستند به بغداد بروند - زیرا صدام حسین پس از شکست در جنگ با کویت به شمال روی آورده بود، نخست آقای طالبانی رفتند و سپس آقای بارزانی رفتند - به من نامه نوشتند که این بدترین تصمیم زندگی‌ام است که می‌خواهم به بغداد بروم و این فرد را ببینم، ولی برای اینکه کردها به سرنوشت فلسطینی‌ها دچار نشوند این فداکاری را می‌کنم؛ و اکنون برایم بسیار جای شگفتی است که کرد روی کرد تفنگ می‌کشد و گلوله شلیک می‌کند.

گزارشگر: احتمال می‌دهید که این درگیری‌های نظامی ابعاد گسترده‌تری در منطقه پیدا کند؟

داریوش فروهر: احتمال می‌شود داد؛ اما من امیدوارم این آدمی که در بغداد نشسته و نشان داده است به هیچ روی از دژخویی خود دست بر نمی‌دارد، توانایی افزودن بر دامنه‌ی درگیری‌ها برایش به وجود نیاید. ترکها هم بدانند که هشت نه میلیون کرد را به این سادگی نمی‌توانند سرکوب کنند. جمهوری اسلامی هم از موش و گربه‌بازی دست بردارد و موضوع گسترش پیدا نکند.

گزارشگر: پیشنهاد و توصیه‌ی شما چه می‌باشد در مورد هم کردهای ایران و هم کردهای عراق و هم کردهای ترکیه؟

داریوش فروهر: درباره‌ی کردهای درون ایران و سایر قوم‌های ایرانی، با این مرکزگرایی جهنمی‌ای که در آغاز در رژیم پهلوی‌ها به وجود آمد و در جمهوری اسلامی دنبال شد سازواری ندارم. من هوادار خودگردانی هر ناحیه از ایران به وسیله‌ی مردم آن هستم. برای کردها، مانند سایر ایرانی‌ها، خواستار خودگردانی هستم. موضوع‌های ملی ربطی به موضوع‌های ناحیه‌ای ندارد؛ ولی از لحاظ کارهای ناحیه‌ای باید به خودشان اجازه‌ی گردانندگی داد. ایران کشوری است که می‌شود گفت یک اقلیم است با چندگونگی‌های بسیار. در هر ناحیه باید، به تناسب وضع سرزمین آن و انباشتگی جمعیت و سنت‌هایی که در میان آن مردم وجود دارد، تصمیم‌های ادراهی محلی را گرفت؛ ولی آنچه که به زندگی ملی و سراسری مردم این سرزمین ربط دارد، مانند سیاست خارجی، مانند بودجه‌ریزی و دفاع ملی، این‌ها در حد دولت مرکزی است.

بی‌شک این مربوط به جایی است که همه ایرانی هستند و بافت اجتماعی ملت ایران چنین وصفی را ایجاب می‌کند؛ اما در آنجایی که عنصر ترک کرد را زیرسلطه دارد یا عنصر عرب کرد را زیر سلطه دارد و از جنگ جهانگیر یکم این وضعیت ادامه پیدا کرده و بارها هم درگیری و شورش شده است، من عقید دارم مردم باید از حداکثر حق برای اداره‌ی خود، حتی استقلال، برخوردار باشند.

گزارشگر: این احتمال را بدهید بعد از این سخت‌گیری‌ها، که آمریکا برای عراق داشته، بعد متوجه هدف‌هایی در ایران شود. من این طور استنباط می‌کنم که بعضی از محافل در ایران هستند که از هر بحرانی در ایران خرسند می‌شوند.

داریوش فروهر: بله، همه‌ی زمامدارانی که از اداره‌ی کشور درمی‌مانند بدشان نمی‌آید تا دستاویزی از بیرون داشته باشند که ای وای ما چنین شدیم و ما چنان شدیم سر بدهند. ولی من گمان نمی‌کنم چنین وضعی پیش بیاید و ایالات متحده‌ی آمریکا این ناروشن‌بینی را نشان بدهد. ایران عراق یا کشورهایمانند آن نیست که بشود آن را به سادگی سرکوب کرد. ببینید، باز حساب جمهوری اسلامی را از ایران جدا می‌کنم. ایرانی هر تجاوزی را از سوی هر کس بشود با قدرت در هم خواهم شکست. من آن روزی که گفتند فضای هوایی دو شهر مورد تجاوز قرار

گرفته و دیوار صوتی شکسته شده است و یا در فضای هوایی جزیره‌ی ابوموسی پرواز کرده‌اند گفتم دریغ این نیروهای رزمی که در جاده‌ی تهران به قم، تهران به ساوه به رخ مردم می‌کشند کجا بودند؟ چرا وقتی هواپیماهای جنگی - به هر کشوری تعلق داشته باشد - وارد آسمان شدند، سدی از آتش پدید نیاموردند؟

حالا هم هشدار می‌دهم ممکن است کسانی گمان نکنند چون مردم ناخشنودند از یکه‌تازی سردمداران جمهوری اسلامی، به هر وضعی تن در می‌دهند. خیر، اگر به ایران تهاجم بشود، همه‌ی ایرانی‌ها از سرزمین خود با تمام نیرو دفاع خواهند کرد؛ و این دفاع هم باید بر عهده‌ی ارتش باشد و همه‌ی نیروهای سلاحدار زیر نظر آن قرار بگیرند و فرماندهی را افسران دانش‌اندوخته‌ی و جنگ‌آزموده به دست گیرند؛ و چون چنین دفاعی را جمهوری اسلامی نمی‌تواند گردانندگی کند و ناشایستگی‌اش را نشان داده، باید زمامداری را به دولتی بدهد که مردم به پشتیبانی از آن برخیزند و از وجب به وجب آسمان و زمین و دریای ایران دفاع گردد.

گزارشگر: سپاس‌گزارم، جناب آقای فروهر. اجازه بدهید بخش نهایی گفتگو را به خود شما واگذار کنم. اگر حرفی دارید با هموطنان، در میان بگذارید. سراپا گوش هستیم.

داریوش فروهر: من خواستم آن چیزی است که هر بار شما پرسش کرده‌اید گفته‌ام. ایران در بحران بزرگی است؛ ایران در خطر و زمان در گذر است؛ کسانی که از هفده سال پیش زمام کارها را در دست گرفته‌اند جان مایه‌ی کشورداری ندارند؛ باید همه‌ی ایرانیان با هم خیزشی دوباره کنند و بساط یکه‌تازی را برچینند و مردم‌سالاری را پدید آورند تا همه‌ی خطرهای ایران دور شود؛ و این وظیفه‌ای است که هر ایرانی، چه درون کشور و چه بیرون کشور، دارد به عنوان نیاز ملی در زمان کنونی.